

## تحلیل اثرات احساسی تعلق مکانی بر مشارکت روستائیان در اجرای طرح هادی مطالعه موردی: استان زنجان

نرگس مرادخانی<sup>۱</sup> - استادیار اقتصاد، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران  
شبهلا حسینی - کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشگاه آزاد قزوین، قزوین، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۲

### چکیده

در حال حاضر، موضوع حس تعلق به مکان، از محورهای مهم در افزایش مشارکت روستائیان و بهبود فرایند برنامه‌ریزی این نواحی است. احساس تعلق به روستا نمایانگر احساس ذهنی مثبت افراد نسبت به زندگی در آن است. هدف تحقیق حاضر شناخت اثرات احساسی تعلق مکانی در چهار بعد (تعلق عاطفی، رفتاری و شناختی و عملکردی) در فرایند مشارکت روستائیان در تهیه و اجرا و نگهداشت طرح هادی است. تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و میدانی (پرسشنامه) است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل روستاهای چپر، گلابرسفلی، چسب و سارمساقلو است. برای تعیین تعداد نمونه آماری از جدول مورگان استفاده گردید، تعداد نمونه لازم جهت تکمیل پرسشنامه برابر با ۳۸۴ نمونه است. پرسشنامه‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده تکمیل شد. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات گردآوری شده از آمار توصیفی و آمار استنباطی (آزمون تی تک نمونه‌ای، جدول توافقی کای دو، کروسکال والیس و مدل تحلیل مسیر) استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، بیشترین تأثیر احساس تعلق مکانی بر روی مشارکت روستائیان در طرح هادی مربوط به مؤلفه‌های تعلق عملکردی و تعلق شناختی می‌باشد. تحلیل یافته‌های استنباطی آزمون تی نیز نشان می‌دهد، بر اساس سطح مطلوبیت مورد آزمون و سطح معناداری وضعیت ابعاد چهارگانه احساس تعلق مکانی مطلوب ارزیابی می‌شود. بالاترین سطح مطلوبیت مربوط به تعلق شناختی به امکانات می‌باشد.

واژگان کلیدی: توسعه روستایی، طرح هادی، تعلق مکانی، استان زنجان.

## مقدمه

در جهان معاصر حس تعلق مکانی کم‌رنگ شده و حس لامکانی به‌عنوان مشکل و مسئله‌ای تازه برای انسان مطرح شده است (Sebastien, 2020:4). هایدگر یکی از فیلسوفانی است که به این مسئله پرداخته است. به نظر او "عصر ما، عصر غفلت از حقیقت هستی است." او همین غفلت را موجب بی‌خانمانی و گم‌گشتگی آدمی می‌داند. انسان امروز، انسانی است که کمتر احساس در خانه بودن می‌کند (صافیان و همکاران، ۱۳۹۰: ۹۵). هایدگر دو ویژگی برای مکانیت انسان قائل است: رفع دوری و جهت‌گیری. رفع دوری به معنای زدودن فاصله از چیزی یا به نزدیک آوردن آن است. رفع دوری از مکان به تدریج طی چند سال سکونت در یک مکان، موجب وابستگی و افزایش حس مکان به مکان می‌شود (احمدی و مهدوی، ۱۳۹۳: ۸۲۸).

قلمرو با یک مکان، هویت روان‌شناختی می‌یابد و با احساس مالکیت و ترکیب کالبدی به‌صورت نماد درمی‌آید. متمایز شدن خصوصیات یک مکان از مکانی دیگر باعث می‌شود که افراد ساکن احساس نمایند که مکان زندگی آن‌ها دارای کیفیات خاص است و ضمن علاقه به آن، تمایل دارند که تأمین نیازها درون محدوده آن مکان صورت پذیرد (Poe, 2017). آسیب‌پذیری سیستم‌های محیطی و اجتماعی در برابر محرک‌های تغییر، ذاتاً مبتنی بر مکان است و افزایش احساس تعلق مکانی به‌عنوان ابزاری مهم برای درک پاسخ‌ها و توسعه راه‌حل‌ها رو به افزایش می‌باشد (Kofinas, 2009; Stedman, 2017). احساس تعلق مکانی، طیف گسترده‌ای از ارتباطات بین افراد و مکان‌ها را توصیف می‌کند که بر اساس معانی مکان و دل‌بستگی شخص نسبت به یک محیط خاص ایجاد می‌شود (Lewicka, 2011; Trentelman, 2009). بنابراین احساس تعلق مکانی در یک فرد می‌تواند یکی از اجزای حیاتی رفاه او باشد و به‌عنوان یک اکوسیستم مهم و غنی‌کننده زندگی شناخته شود (چن<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶، ریفیلد<sup>۲</sup>، ۲۰۱۹).

احساس تعلق مکانی می‌تواند در شرایطی از روابط اجتماعی چندگانه بین گذشته، حال، نسل‌ها و مکان‌های آینده مورد بحث قرار گیرد (بنت<sup>۳</sup>، ۲۰۱۴، ۶۵۸). با این وجود حس تعلق تنها شامل روابط اجتماعی با دیگران نیست بلکه در کالبد تعامل فیزیکی و روانی با مکان‌هایی که جنبه شناختی و نگرشی دارند شکل می‌گیرد (میلور<sup>۴</sup>، ۲۰۱۳، ۲۱۳). حس تعلق مکانی در رفتارگرایی از موضوعات جالب و مورد توجه بوده است. به‌طوری‌که روابط دل‌بستگی با یک مکان یکی از پایه‌های تعلق و یک موقعیت برجسته در ادبیات رفتارگرایی است (کی و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۱۹: ۷). احساس ما نسبت به مکان‌های خاصی که تجربه کرده‌ایم و جوامعی که به تعریف آن مکان‌ها کمک می‌کنند، مثل: خانه، محل کار، محله، شهرستان و کشور قطعاً دارای تأثیر مثبت قوی در تعریف ما برای پر کردن معنای زندگی و غنی‌سازی آن با ارزش‌ها و اهداف هستند (جیالیانی<sup>۶</sup>، ۲۰۰۳: ۴۱). حفظ و افزایش احساس تعلق مکانی در مناطق روستایی یکی از عوامل اصلی در حفظ و نگهداشت جمعیت و همچنین دستیابی به توسعه پایدار در این مناطق می‌باشد (فیگوروا<sup>۷</sup>، ۲۰۱۶: ۱۹).

یکی از مهم‌ترین طرح‌های عمرانی در زمینه آبادی روستا که در ایران انجام شده است، طرح هادی روستایی هست، طرح هادی روستا از جمله طرح‌های عمرانی روستایی است که می‌تواند نقش بنیادی و زیربنایی در توسعه همه‌جانبه مناطق روستایی داشته باشد. این طرح با استفاده از پتانسیل‌ها و قابلیت‌های خود می‌تواند زمینه‌ساز بهبود تسهیلات عمومی و

1. Chan
2. Ryfield
3. Bennet
4. Mellor
5. Qi
6. Giuliani
7. Figueroa

رفاهی از قبیل نوسازی مسکن روستایی، معابر نوساخت و حریم مسکونی، بهبود وضعیت زندگی روستائیان و مشارکت آن‌ها باشد. این طرح که از بزرگ‌ترین طرح‌های هادی عمران روستایی است، می‌تواند نقش بنیادی و زیربنایی در توسعه همه‌جانبه مناطق روستایی داشته باشد. دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی مرکزی بنیاد مسکن (۱۳۸۲) در ارزیابی طرح‌های هادی روستایی به رعایت مسائل زیست‌محیطی، توجه به حفظ میراث فرهنگی و بناهای با ارزش معماری و روستاها توسط طرح‌های هادی تأکید فراوان دارد، زیرا اجرای درست این طرح‌ها می‌تواند احساس علاقه‌مندی بیشتر روستائیان به محیط‌های روستایی و توسعه پایدار روستاها را به همراه داشته باشد. عواملی وجود دارند که ضرورت‌های مشارکت را ایجاب می‌نمایند از این عوامل می‌توان به مواردی نظیر دانستن نیازهای عمومی روستا، درک نظر مردم روستا، کمک در زمینه موثر بودن از راه رشد یا تغییر کاربری اراضی و الگوی فعالیت، استفاده از تجربیات محلی، استفاده از ریش‌سفیدان و شورای روستا، بالا بردن آگاهی مردم روستا، شفاف‌سازی در تصمیم‌گیری و غیره اشاره نمود. سطح بالای مشارکت عمومی احساس تعلق و مالکیت را گسترش می‌دهد و تعهدات و وابستگی مردم را به تصمیمات بالا می‌برد. مشارکت مردم روستا در آبادانی آن سبب می‌شود منافعی از قبیل پشتیبانی از ابتکارات مردم روستا، حل مسائل منطبق بر نیازهای واقعی روستا، جمع‌آوری اطلاعات دقیق از روستائیان و تقویت مذاکره و گفت‌وگو متقابل حاصل شود. البته مهم‌ترین منفعت مشارکت روستائیان در طرح‌های هادی موجب ایجاد انگیزه در نگهداری آن‌ها خواهد شد. مشارکت روستائیان در مراحل مختلف طرح هادی از جمله تهیه، اجرا و نگهداری، پیامدهای مثبت بسیاری را در پی خواهد داشت. با بررسی ویژگی‌های جمعیتی یک روستا می‌توان به بررسی سنجش احساس تعلق به روستا و روحیه مشارکت آنان در طرح‌های هادی و سایر ابعادی که می‌تواند مشارکت روستائیان را نهادینه کند پی برد. این تحقیق درصدد بررسی و پاسخگویی به سؤالات زیر می‌باشد:

- ❖ چه رابطه‌ای بین احساس تعلق مکانی روستائیان و مشارکت آن‌ها در تهیه و اجرای طرح هادی روستایی وجود دارد؟
- ❖ کدام مؤلفه احساس تعلق مکانی، بیشترین اثر را بر روی مشارکت در تهیه و اجرای طرح هادی روستایی دارد؟

## مبانی نظری

احساس تعلق مکانی انسان را به‌گونه‌ای عمیق و ماندگار تحت تأثیر قرار می‌دهد و خاطره مکان، هویت و قدرت انسان را تقویت می‌نماید. حس مکان، به این معناست که استفاده‌کنندگان، ویژگی‌های معنایی محیط و شخصیت مکان را از محیط دریافت کنند. حسی که به‌وسیله ادراک ذهنی مردم از محیط و دریافت احساسات آگاهانه یا ناآگاهانه آن‌ها از محیط دریافت می‌شود و استفاده‌کننده را در ارتباطی تنگاتنگ با محیط قرار می‌دهد. حس مکان موجب ایجاد حس رضایتمندی در استفاده‌کننده می‌شود و با یادآوری فرهنگ یا تاریخ یک اجتماع و یا تجارب ذهنی گذشته فرد، بر مفهوم هویت تأکید می‌کند و کیفیت فضای ساخته‌شده را برای مخاطب ارتقا می‌بخشد. ویژگی‌های کالبدی محیط که شامل تعاملات اجتماعی و همچنین معانی هویتی و ذهنیت است، بر القای حس مکان تأثیرگذار است (رضویان و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۸). تا پیش از دهه ۷۰ میلادی در مطالعات انجام‌شده در زمینه انسان و مکان، به دل‌بستگی به مکان، توجهی نشده بود. در ۲۵ سال گذشته، فضای شخصی، تراکم، معنای مکان و موضوعات مرتبط، موضوع پژوهش در ارتباط با انسان و مکان بودند. اما افزایش رو به تزاید توجه تأثیر فرهنگ بر ترجیحات مکان، جابه‌جایی جمعیت و لزوم تطابق با محیط جدید، علاقه روزافزون به نتایج اجتماعی مکان همانند طراحی برای سالخوردگان، کودکان، افراد بی‌خانمان و گروه‌های اجتماعی مختلف سبب شد تا احساس انسان در رابطه با مکان، محور بسیاری از پژوهش‌ها شود. اکنون

مطالعات فراوانی در زمینه دل‌بستگی به مکان شکل گرفته است و مقیاس‌های مختلفی همچون خانه، محله، شهر و روستا و کشور و مکان‌های متفاوتی مانند محل کار، فضاهای آموزشی، فضاهای عمومی و تفریحی در این رابطه مطالعه شده‌اند (دانشپور و دیگران، ۱۳۸: ۳۸). تعلق مکانی به این معنا است که مردم خود را به واسطه مکانی که در آن به دنیا آمده و رشد پیدا کرده‌اند تعریف کنند (سرمستی و متوسلی، ۱۳۸۹: ۵). این حس به گونه‌ای به پیوند فرد با مکان منجر می‌شود که انسان خود را جزئی از مکان می‌داند و بر اساس تجربه‌های خود از نشانه‌ها، معانی و عملکردها، نقشی را برای مکان در ذهن خود تصور می‌کند. لذا این نقش نزد او منحصربه‌فرد و متفاوت است و در نتیجه مکان برای او مهم و قابل احترام می‌شود (پیربابایی و سجاذزاده، ۱۳۹۰: ۴).

حس مکان به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم‌بیش آگاهانه آن‌ها از محیط خود است که شخص را در ارتباط درونی با محیط قرار می‌دهد، به طوری که فهم و احساس فرد با زمینه معنایی پیوند خورده و یکپارچه می‌شود. همچنین حس مکان به مفهوم عاطفه، محبت، قضاوت و تجربه کلی مکان یا توانایی آن در ایجاد حس خاص یا تعلق در افراد است (ضرابیان و منعم، ۱۳۸۹: ۲). این حس حاصل ارتباط درونی انسان، تصورات ذهنی او و ویژگی‌های محیطی است. که از یک سو ریشه در تجربه‌های ذهنی، همچون خاطره، سنت، تاریخ، فرهنگ، اجتماع و غیره دارد و از سوی دیگر متأثر از زمینه‌هایی عینی و بیرونی در محیط مانند طرح، منظره، بو و صداست که نشان می‌دهد حس مکان مفهومی پیچیده از احساسات و دل‌بستگی انسان نسبت به محیط است که در اثر انطباق و استفاده انسان از مکان به وجود می‌آید (فلاح، ۱۳۸۵: ۷).

احساس تعلق داشتن به جامعه و مکانی خاص از جمله احساسات ضروری در زندگی اجتماعی انسان‌ها است. از دیدگاه روانشناسی اجتماعی، حس تعلق به مکان، چارچوبی را به وجود می‌آورد که به وسیله آن فرد نسبت به نحوه عملکرد افراد در گروه‌ها و اجتماعات آگاهی پیدا می‌کند. احساس تعلق به مکان بر پایه حسی فراتر از آگاهی از استقرار در یک مکان، به پیوند فرد با مکان منجر می‌شود به نحوی که او خود را جزئی از مکان می‌داند و بر اساس تجربه‌هایش از نشانه‌ها، معانی و عملکردهای مکان، معنی و شخصیتی برای مکان در ذهن خودش تصور می‌کند که در نزد او منحصربه‌فرد و متفاوت از دیگر جوامع، مهم و قابل احترام است (پیربابایی و سجاذزاده، ۱۳۹۰: ۴). این حس با نفی از خودبیگانگی مکانی و با حس آرامش‌بخش و رضایت از محیط و محل همراه است. وجود این حس سبب می‌شود که از یک سو، فرد در جامعه و محیط به شکل بالنده و پویا عمل نماید و از سوی دیگر موجب می‌شود که فرد، گروه، جامعه و مکان را متعلق به خود دانسته و در جهت پیشرفت و توسعه آن بکوشد. داشتن حس تعلق به مکان منجر به ایجاد حس داشتن سرنوشت مشترک می‌گردد، حسی که موجب ایجاد همکاری، تعاون و مشارکت در میان اعضاء یک گروه و جامعه می‌شود. از جمله شاخص‌های ارزیابی این حس که می‌تواند مورد توجه قرار گیرد میزان رضایت از مکان و احساس وابستگی به آن می‌باشد (تقوایی و معروفی، ۱۳۸۹: ۱۵). احساس تعلق می‌تواند به مکانی و یا به گروهی باشد و در هر شکل آن، پیامدهای مثبتی برای افراد به دنبال دارد. احساس تعلق در افراد می‌تواند برای مراقبت از محیط زندگی‌شان و اینکه به مکان‌های معنادار برگردند و یا نزدیک به آن باقی بمانند، انگیزه ایجاد کند.

اختلال در تعلق مکانی می‌تواند باعث حس گم‌گشتگی و اندوه شود و پیامدهای زیان‌باری برای اجتماعات داشته باشد. کم‌رنگ شدن حس تعلق، رغبت افراد را برای سرمایه‌گذاری در منطقه محل زندگی‌شان کم می‌کند و می‌تواند باعث ترک منطقه شود (رستمعلی‌زاده، ۱۳۹۲: ۵۱۵). تعلق مکان به‌عنوان پیوندی مؤثر که مردم با قرارگاه‌های مکانی برقرار می‌کنند تعریف می‌شود، جایی که آن‌ها تمایل به ماندن دارند و احساس راحتی و امنیت می‌کنند (کمال پور، ۲۰۱۲، ۱۸). بنابراین، انسان در صورتی که در مکان زندگی خویش احساس راحتی و امنیت داشته باشد، به باور متعلق بودن به مکان

زندگی خویش خواهد رسید و قصد ماندگاری در منطقه را خواهد داشت. اگر هرگونه مانعی این احساس امنیت و راحتی در وی را کاهش دهد، دیگر تعلق مکانی نمی‌تواند بر ماندگاری در منطقه فعلی تأثیرگذار باشد. فرد مجبور به تغییر محل سکونت خویش خواهد شد (سیاوش پور، ۱۳۹۳: ۳).

از دیدگاه بل<sup>۱</sup> و نیوبای<sup>۲</sup> در مفهوم اجتماع در روستاها و شهرهای کوچک، به رابطه فرقه‌ای اشاره می‌کنند و گرمای عاطفی پیوندهای خصوصی و احساس تعلق را ناشی از همبستگی انسانی اجتماع می‌دانند و معتقدند که مناطق جغرافیایی دارای نظام‌های اجتماعی - محلی، باعث ایجاد احساس تعلق و همبستگی شدید فرقه‌ای می‌شوند. از دیدگاه امیل دورکیم، احساس تعلق افراد به اجتماعشان بیشتر در جوامعی مدنظر است که همبستگی ارگانیکی در آن‌ها کمتر است. در نتیجه نیاز به جوشش برای پیشبرد برنامه‌ریزی‌ها در ابعاد مختلف هویت جمعی احساسات عاطفی و واکنش‌های آن وجود دارد. بنا به اعتقاد دورکیم وقتی حس تعلق به جامعه در افراد وجود داشته باشد، یک حس همانندی و قرابت به وجود خواهد آمد و پیوندهای عاطفی و دل‌مشغولی‌ها و منافع مشترک افراد را به هم پیوند می‌دهد که نتیجه آن افزایش و تشدید تماس‌های آنان و گسترش ارتباطات در سطح جامعه است و این مهم‌ترین ابزار برای یک مدیریت خوب به‌ویژه در کشورهای جهان سوم است (زنگنه، ۱۳۸۸: ۲۰۷).

زیمل<sup>۳</sup> بر فرد و فردیت تأکید می‌کند؛ زیرا که معتقد است انسان می‌تواند از تعلق‌های جمعی و سنتی خود در مکان آزاد شود و هویت فردی بیابد (فکوهی، ۱۳۸۳: ۱۷۷). از نظر براون و پراکینتز<sup>۴</sup> تعلق به مکان شامل ابعاد (عاطفی، رفتاری، شناختی) می‌باشد که در طول زمان شکل گرفته است و مبنای ادراک فرد و رابطه‌اش با مکان را فراهم می‌آورد و چارچوب هویتی فرد و جامعه را شکل می‌دهد. با پیوند بیشتر فرد و مکان در گذر زمان، مکان به‌عنوان تأمین‌کننده نیازهای اساسی و امنیت برای فرد اهمیت ویژه‌ای می‌یابد، به‌گونه‌ای که فرد خود را جزئی از مکان و در پیوند با آن تعریف می‌کند و در نهایت حس تعلق به مکان در افراد شکل می‌گیرد (نظامی، ۱۳۹۵). بنابراین می‌توان مفهوم احساس تعلق مکانی را در چهار محور تعلق عاطفی، رفتاری و عملکردی و شناختی مورد ارزیابی و شناخت قرار داد.

الف- تعلق عاطفی را می‌توان تعلق احساسی و هیجانی به محیط و زمینه خاصی دانست. توان (۱۹۷۷) عقیده دارد که هیجانات به تمام تجربیات فرد متصل است، تجربیاتی که با جهان فیزیکی مواجه هست. در کل تعلق عاطفی ناظر بر پاسخ‌های احساسی به زمینه‌ها و شرایط محیطی است (بروکاتو<sup>۵</sup>، ۲۰۰۶: ۲۵). این بعد با تعامل حسی انسان و مکان و نقش آن در هویت فرد در رابطه با مکان کالبدی است. پروشانسکی برای این بعد از حس تعلق به مکان می‌گوید: این نوع از جذب مکان، انگیزه حضور و گذراندن وقت در آن بوده و تکیه بر پیوندهای احساسی فرد با یک مکان خاص دارد و در گذر زمان به آن شکل می‌دهد. پیوندهای عاطفی شاید احساسی‌ترین و روان‌شناختی‌ترین مؤلفه در بین چهار مؤلفه حس تعلق به مکان باشد. پیوندهای عاطفی باعث اتصال فرد به شهر خود می‌شود و این اتصال و یگانگی به کنش‌های او معنا و مفهوم می‌دهد (بیابانی، ۱۳۹۵: ۴۱).

ب- تعلق رفتاری: در تعلق رفتاری به این مفهوم اشاره می‌شود که مکان‌ها شامل محیط فیزیکی نیستند، مردم خود جزئی از مکان‌اند. بنابراین یکی از مؤلفه‌های احساس تعلق مکانی مخازنی هستند که ارتباطات بین فردی، اجتماعی و فرهنگی در آن رخ می‌دهد. مطالعات حاکی از آن است که پیوند اجتماعی با دوستان و خویشاوندان یکی از منابع مهم و پایدار تعلق مکانی است، همچنین هیدالگو و هرناندز در مقایسه پیوندهای فیزیکی و اجتماعی با محیط دریافتند که

- 1 . Bell
- 2 . Niue
- 3 . Simmel
- 4 . Brown & Prakintz
- 5 . Brocato

پیوندهای اجتماعی نسبت به تعلق فیزیکی در شرایط فضایی مختلف قوی‌تر عمل می‌کند (بروکاتو، ۲۰۰۶: ۲۵).  
 ج- تعلق عملکردی: بر اساس نظر شیر و همکاران این بعد به برآوردن نیازها و اهداف فردی که مبتنی بر کیفیت مکان در پاسخگویی به نیازهای کاربران در مقایسه با سایر مکان‌های مشابه، اشاره دارد که وابسته به تجارب قبلی فرد، نحوه دسترسی به مکان و الگوی فعلیتی موجود در آن است. در تعلق عملکردی وابستگی به محل، به این معنی است که شخص چه مقدار به یک محل خاص ازلحاظ عملکردی وابستگی دارد (یوکسل؛ ۲۰۱۰: ۲۶). این وابستگی فقط به جغرافیای محل اقامت محدود نمی‌شود و اغلب به‌عنوان بخشی از شالوده هویت افراد به شمار می‌آید (کمپبل؛ ۲۰۱۱: ۴۱).

د- تعلق شناختی: تعلق مکانی نشان‌دهنده شناسایی شخص با توجه یک محل خاص و یا با توجه به ارزش سمبولیک آن محل است (رامکینسون، ۲۰۱۲: ۸). در این نوع تعلق، مفهوم هویت مکانی موردتوجه قرار می‌گیرد. هویت مکانی نشان‌دهنده اهمیت نمادین یک مکان به‌منزله مخزن احساسات و روابطی است که به زندگی هدف و معنا می‌بخشد. به این ترتیب هویت مکانی به قول پروشانسوکی به‌مثابه مؤلفه‌ای از هویت خویشتن است که عزت‌نفس و حس تعلق به اجتماع را در فرد افزایش می‌دهد.

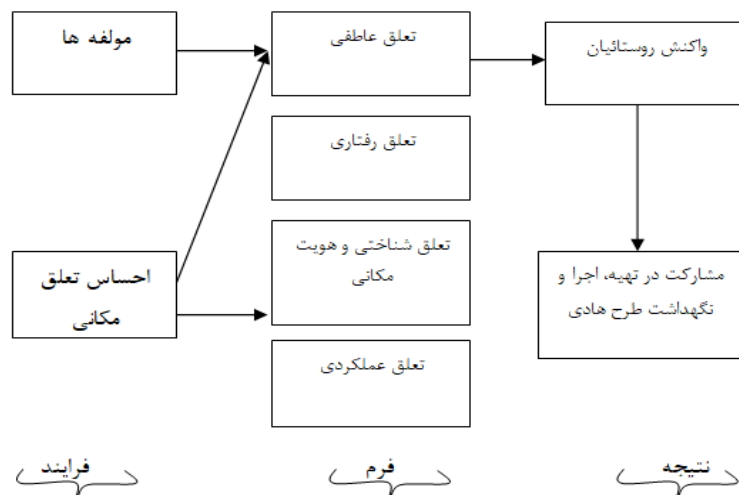
گوستافسون، انگاشت معنی برای مکان که زمینه‌ساز شکل‌گیری حسن مکان است را در یک مدل جزئی ارائه می‌کند. سه جز اصلی در مدل گوستافسون شامل خود، محیط و دیگران است. خود شامل مسیر زندگی، احساسات، هویت فردی و فعالیت‌های فردی است. محیط اجزای فیزیکی مکان، نهادها و رویدادها را شامل شده و در نهایت دیگران، شامل شخصیت و رفتار آنهاست (آنتون و لاورسنی، ۲۰۱۶: ۱۲). اسکانل و گیفورد یک مدل سه وجهی برای درک مفهوم حس مکان پیشنهاد کرده‌اند. از دیدگاه آن‌ها این مدل متشکل از سه مؤلفه فرد، فرایند روان‌شناختی و ابعاد مکان است، در این مدل، بعد فردی تعلق به مکان به فردیت و معانی به‌هم‌پیوسته و مشخص آن مربوط می‌شود، بعد روان‌شناختی شامل مؤلفه‌های احساسی، ذهنی و رفتاری می‌شود و بعد مکان بر ویژگی‌های مکان تعلق شامل سطوح فضایی، ویژگی و شهرت نمادهای کالبدی و اجتماعی تأکید می‌کند (جالاما؛ ۲۰۲۱: ۲۱).

یافته‌های تولسما و لوبرس<sup>۴</sup> (۲۰۱۴) و روم و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۱۳) نشان می‌دهد، عوامل اقتصادی مانند درآمد و اشتغال در احساس تعلق مکانی روستائیان موثر می‌باشد. یافته‌های چاریس و لاورنس<sup>۶</sup> (۲۰۱۶) نشان می‌دهد، احساس تعلق مکانی در ارتقای کیفیت زیست شهروندان موثر می‌باشد. دانشپور و همکاران (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «تبیین مدل دل‌بستگی به مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن» به این نتیجه رسیدند که دل‌بستگی به مکان دارای ابعاد مختلف عاطفی، شناختی، عملکردی و رفتاری است و به‌علاوه این کیفیت بر پایه تعامل پنج عنصر اساسی شکل می‌گیرد که شامل انسان، مکان، مشارکت در فرایند طراحی مکان، نحوه تعامل انسان و مکان و عامل زمان است.

عنابتانی (۱۳۸۸) افزایش امیدواری روستائیان برای ماندن در روستا را از آثار مثبت اجرای طرح هادی بر کیفیت زندگی روستائیان می‌داند. آمار و طارمی (۱۳۸۸)، بهبود وضعیت ساخت‌وساز در روستا و بهبود کیفیت مسکن را از آثار مثبت طرح و عدم بهبود وضعیت شبکه معابر را از ابعاد منفی طرح عنوان می‌کند. مطیعی و یاری (۱۳۸۹) عدم وجود رویکرد نظام‌مند و آمایشی در طرح و برزو و همکاران (۱۳۸۹) عدم مشارکت مردمی در اجرای طرح و نبود اعتبارات لازم جهت

- 1 . Yuksel
- 2 . Campbell
- 3 . Jaalama
- 4 . Tolsma & Lubbers
- 5 . Vroome
- 6 . Charis & Lawrence

اتمام طرح را از عوامل اصلی عدم اثربخشی طرح هادی بر بهبود کیفیت زندگی روستائیان می‌دانند. نتایج پژوهش ترکاشوند در خصوص طرح‌های هادی روستا نشان می‌دهد که اگرچه این طرح‌ها به نوسازی مسکن روستایی معابر نوساخت و حریم مسکونی توجه داشته اما پیامدهای نامطلوبی را مانند حذف تدریجی توانمندی‌های بومی، گسستگی در بافت و سیمای روستایی وابستگی توسعه نامتقارن روستاها را به دنبال دارد. بروز و همکاران در مطالعاتی پیرامون طرح هادی روستای کرانچی شهرستان کرمانشاه به این نتیجه رسیدند که در اجرای طرح هادی روستایی اهداف آن در زمان اجرا موردتوجه قرار نگرفته و فقط محدود به جدول کشی معابر شده‌است. آن‌ها بهره‌مندی از مشارکت خود روستائیان در اجرای طرح و توجه به همه ابعاد آن را موردتوجه قرار دادند. نتایج یافته‌های صادقی و همکاران (۱۳۹۷) و بذرافشان و همکاران (۱۳۹۷) نشان‌دهنده تأثیرات مثبت احساس تعلق مکانی بر اقتصاد نواحی روستایی می‌باشد. یافته‌های تحقیق اعظمی و همکاران (۱۳۹۵) نشان می‌دهد که بیشترین زمینه مشارکت روستائیان درباره ارزیابی و تحلیل مشکلات شبکه معابر و تأمین مواد و مصالح و تجهیزات برای طرح بوده است و از طرفی کمترین زمینه مشارکت در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی و همکاری با مجریان طرح هادی بوده است.



شکل شماره ۱. مدل مفهومی تحقیق

## روش پژوهش

تحقیق حاضر به صورت توصیفی-تحلیلی، روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و میدانی (پرسشنامه) می‌باشد. جامعه آماری شامل روستاهای چپر، گلابرسفلی، چسب و سارمساقلو بوده که انتخاب این جامعه آماری توسط ناظرین بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان زنجان و بر اساس شاخص‌های سطح مشارکت روستائیان، کیفیت اجرای طرح و نیز زمان اجرای طرح و همچنین موقعیت استقرار روستاها (پایکوهی، دشتی، کوهستانی و دره‌ای) می‌باشد. این چهار روستا دارای ۱۱۲۶ خانوار می‌باشند. برای تعیین نمونه آماری از جدول مورگان استفاده گردید که تعداد نمونه لازم برابر با ۳۸۴ نمونه تعیین و پرسشنامه‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده تکمیل شد. تعریف عملیاتی متغیر تحقیق شامل احساس تعلق مکانی در ۱۶ و مشارکت در اجرای طرح هادی در ۲۳ معرف می‌باشد (جدول ۱). روایی گویه‌ها بعد از انجام اصلاحات مربوط به نظرات در ارتباط با سازگاری درونی، بیرونی و محتوایی مورد تأیید قرار گرفت و پایایی گویه نیز با استفاده از روش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۳۴ به دست آمد. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از آمار توصیفی و آمار استنباطی (آزمون تی تک نمونه‌ای، جدول توافقی کای دو و مدل تحلیل مسیر) استفاده گردید.

## جدول شماره ۱. جدول مؤلفه‌ها و شاخص‌های تحقیق در مؤلفه‌های تعلق عاطفی، رفتاری، شناختی و عملکردی

مؤلفه	شاخص‌ها
تعلق عاطفی	وجود صمیمیت در میان ساکنان، تمایل جوانان به ماندن در روستا، امید به آینده روستا، نگاه به روستا به مثابه خانه خودش، میزان رضایت از سکونت در روستا، احساس رضایت از زندگی، احساس مسئولیت در حفظ محیط محله
تعلق رفتاری	تمایل به شرکت در تصمیم‌گیری‌های محله، وضعیت شرکت در امور اجتماعی، تعامل مثبت با همسایگان، تمایل به کارهای گروهی با همسایگان، حضور در مسابقات ورزشی و مراسم‌های مذهبی، شرکت در انتخابات، افزایش میزان همدلی بین اهالی روستا
تعلق شناختی	احساس امنیت جانی، احساس امنیت مالی، احساس امنیت عاطفی، احساس امنیت فردی در برابر مخاطرات طبیعی، آشنایی با وظایف و تکالیف حقوق خود، آشنایی با تاریخ روستا، آشنایی با مشاهیر روستا
تعلق عملکردی	ایجاد مکان‌های حمل‌ونقل عمومی، دسترسی به مراکز تجاری، دسترسی به خدمات آموزشی، وجود فضای سبز در روستا، دسترسی به فضای گذران اوقات فراغت، دسترسی به کاربری ورزشی، بهبود دسترسی به شبکه معابر روستا، گسترش امکانات فرهنگی، جمع‌آوری زباله و نظافت معابر، بهبود کیفیت مصالح ساخت مسکن
مشارکت در تهیه، اجرا و نگهداشت	اطلاع از عملکرد طرح هادی، اطلاع از نقش شورا، دهیار و بنیاد مسکن در اجرای طرح هادی، اطلاع از وظایف خود در قبال ضوابط طرح هادی، اطلاع از وظایف خود در قبال تأسیسات طرح هادی، مشارکت با دولت در زمان اجرای طرح هادی، مشارکت فکری در اجرا طرح هادی، مشارکت داوطلبانه یدی (بدون دریافت مزد) در اجرای طرح هادی، مشارکت مالی در اجرا طرح هادی، مشارکت جهت بازگشایی و تعریض معابر، مشارکت در تأمین منابع انسانی (کارگر)، اعلام نظر در ارتباط با وضعیت اجرای طرح هادی.

منبع: کمال پور، ۲۰۱۲ و کامپبل، ۲۰۱۱

## بحث و یافته‌ها

از ۳۸۴ نفر فرد پاسخگو، ۷۴ درصد پاسخ‌دهندگان مرد و ۲۶ درصد زن بوده‌اند. میانگین سنی این افراد برابر با ۳۷،۴ سال؛ میانگین تعداد افراد خانوار برابر با ۴/۱ نفر و بیشترین سطح سواد هم مربوط به دوره ابتدایی با ۳۴،۸ درصد بوده است. در بین حجم نمونه مورد مطالعه، شغل سرپرست خانوار ۳۵/۲ درصد از پاسخگویان کشاورزی، ۳ درصد مغازه‌داری (بقالی)، ۱۵/۶ درصد کارگر روزمزد، ۴/۶ درصد بیکار، ۲۰/۸ درصد کارگر نانوائی، ۸ درصد بازنشسته و مستمری‌بگیر، ۲ درصد کارمند، ۸/۸ درصد آزاد (نجار، مکانیک، جوشکار، برق‌کار و...) و شغل ۲ درصد از پاسخگویان راننده می‌باشد. همچنین وضعیت اقامت روستائیان نشان می‌دهد، میانگین سال‌های اقامت در روستاهای مورد مطالعه ۲۹ سال می‌باشد. تحلیل یافته‌های استنباطی آزمون تی نیز نشان می‌دهد، بر اساس سطح مطلوبیت مورد آزمون (۳) و سطح معناداری وضعیت ابعاد چهارگانه احساس تعلق مکانی در وضعیت مطلوب ارزیابی می‌شود. بالاترین سطح مطلوبیت مربوط به بعد دسترسی به امکانات می‌باشد، طبق یافته‌های آزمون تی تک نمونه‌ای مقدار آماره تی برای تعلق عاطفی ۶،۸۴، تعلق رفتاری ۶،۰۷۱، تعلق شناختی ۴،۶۷۱ و تعلق عملکردی ۷،۲۱۷ ارزیابی می‌شود (جدول شماره ۲).

## جدول شماره ۲. آزمون تی تک نمونه‌ای برای بررسی مطلوبیت مؤلفه‌های احساس تعلق مکانی

ابعاد	Test Value = 3		Sig. (2-tailed)	df	t	
	Confidence Interval of ۹۵% the Difference	Mean Difference				
	Upper	Lower				
تعلق عاطفی	۰،۲۷۷۵	۰،۱۳۳	۰،۲۵۸۴۷	۰/۰۰۰	۳۸۳	۶،۸۴
تعلق رفتاری	۰،۲۷۱۴	۰،۱۴۷۴	۰،۲۰۳۷	۰/۰۰۰	۳۸۳	۶،۰۷۱
تعلق شناختی	۰،۲۲۲۳	۰،۰۷۷۷	۰،۱۵	۰/۰۰۰	۳۸۳	۴،۶۷۱
تعلق عملکردی	۰،۲۸۲۶	۰،۱۲۴۴	۰،۲۰۳۵۱	۰/۰۰۰	۳۸۳	۷،۲۱۷

1 . Kamalipour

2 . Campbell



در ارتباط با چرایی بالا بودن میانگین تعلق عملکردی نسبت به سه مؤلفه دیگر می‌توان به نتایج مصاحبه با یکی از روستائیان اشاره کرد که در برابر سؤال چگونگی مشارکت روستائیان در طرح هادی روستایی این‌گونه پاسخ داد " کسی که دوست دارد تو روستا زندگی کند تلاش دارد اینجا را آباد کند، وقتی طرح هادی در روستا اجرا شد خیلی از روستائیان زمین و نیروی کار برای ایجاد کاربری‌های خدماتی مثل فضای سبز و اصلاح شبکه معابر در اختیار بنیاد مسکن قرار دادند"، از این مصاحبه می‌توان نتیجه‌گیری کرد عمده همکاری و مشارکت روستائیان مربوط به شاخص‌های مؤلفه تعلق عملکردی احساس تعلق مکانی بوده و عاملی جهت بالا بودن میانگین این مؤلفه نسبت به دو مؤلفه دیگر شده‌است. در ادامه تحقیق به بررسی تفاوت معناداری شاخص‌های احساس تعلق مکانی در ۴ روستای مورد مطالعه و با استفاده از آزمون کروسکال والیس پرداخته شده‌است. نتایج به‌دست‌آمده از این آزمون نشان داد بر مبنای میانگین رتبه‌ای و کای اسکور به‌دست‌آمده، تفاوت معناداری در وضعیت شاخص‌های احساس تعلق مکانی ۴ روستای مورد مطالعه وجود دارد، بر همین مبنا روستاهای چپر و گلابر سفلی دارای میانگین رتبه‌ای بالاتری نسبت به روستاهای چسب و سارمساقلو می‌باشند. بررسی‌ها نشان می‌دهد در دو روستای چپر و گلابر سفلی به دو دلیل بالا بودن وضعیت اقتصادی مردم و همچنین موقعیت جغرافیایی روستا (دشتی) امکان تحقق اهداف طرح هادی بیشتر از دو روستای دیگر فراهم بوده است.

جدول شماره ۳. بررسی تفاوت معناداری شاخص‌های احساس تعلق مکانی بین روستاهای مورد مطالعه

شاخص	روستا	میانگین رتبه‌ای	کای اسکور	معناداری
تعلق عاطفی	چپر	۱۳۹,۵۸	۱۵,۲۴۷	۰/۰۰۰
	گلابر سفلی	۱۲۸,۷۳		
	چسب	۱۰۸,۹۸		
	سارمساقلو	۹۸,۹۳		
تعلق رفتاری	چپر	۱۴۲,۴۲	۱۶,۴۵۷	۰/۰۰۰
	گلابر سفلی	۱۲۸,۴۵		
	چسب	۱۱۱,۷۱		
	سارمساقلو	۱۰۱,۶۱		
تعلق شناختی	چپر	۱۵۲,۸۹	۶۵,۳۷۳	۰/۰۰۰
	گلابر سفلی	۱۳۰,۶۷		
	چسب	۸۱,۷۳		
	سارمساقلو	۵۸,۹۶		
تعلق عملکردی	چپر	۱۶۱,۲۵	۷۶,۱۴	۰/۰۰۰
	گلابر سفلی	۱۵۷,۱۷		
	چسب	۸۹,۸۴		
	سارمساقلو	۷۱,۵۴		

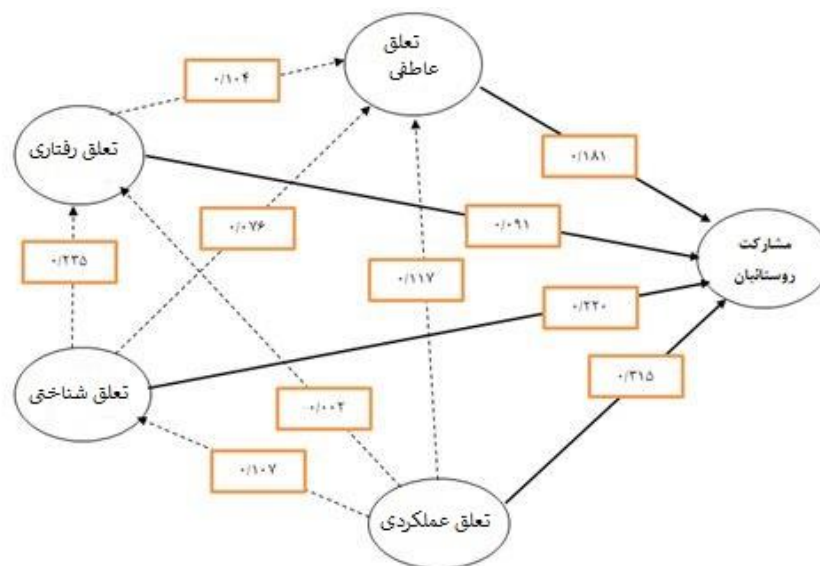
تحلیل روابط آماری میان احساس تعلق مکانی و مشارکت روستائیان در تهیه و اجرای طرح هادی منطقه مورد مطالعه که از طریق تحلیل خوشه‌ای در سه طبقه متوسط، ضعیف و بالا قرار داشته‌اند و همچنین آزمون همگونی کای دو، مبتنی بر جدول توافقی نشان‌دهنده وجود تفاوت معنی‌دار آماری میان متغیر وابسته مشارکت روستائیان در تهیه و اجرای طرح هادی و متغیر مستقل احساس تعلق مکانی می‌باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد بر اساس احساس تعلق مکانی تفاوت معناداری در میزان مشارکت روستائیان در تهیه و اجرای طرح هادی وجود دارد. جهت این رابطه نیز مثبت برآورد شده که نشان‌دهنده وجود رابطه مستقیم است؛ بنابراین می‌توان گفت با افزایش احساس تعلق مکانی، میزان مشارکت روستائیان

در تهیه و اجرای طرح هادی با مقدار ضریب همبستگی  $0/145$  و سطح معناداری  $0/000$  نیز افزایش یافته است (جدول ۴).

جدول شماره ۴. تحلیل روابط آماری میان احساس تعلق مکانی و مشارکت روستائیان در تهیه و اجرای طرح هادی بر اساس آزمون همگونی کای دو

مؤلفه	احساس تعلق مکانی			کل
	کم	متوسط	بالا	
مشارکت روستائیان در تهیه و اجرای طرح هادی	کم	متوسط	بالا	کل
	۱۱	۳۸	۸۲	۱۳۱
	۰	۳۸	۱۰۵	۱۴۳
	۰	۶۱	۴۹	۱۱۰
آماره آزمون کای دو	ارزش	درجه آزادی	سطح معناداری	
	۵۰/۹۶۷	۶	۰/۰۰۰	
ضریب همبستگی				۰/۱۴۵

در ادامه و با استفاده از تحلیل مسیر به بررسی اثرات احساس تعلق مکانی بر روی مشارکت روستائیان در تهیه و اجرای طرح هادی پرداخته شده است، بر همین مبنا در شکل شماره ۱ مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم ارائه شده است. جهت برآورد اثرات مستقیم و غیرمستقیم در مدل تحلیل مسیر از رگرسیون خطی استفاده شده است (شکل شماره ۲).



شکل شماره ۲. تحلیل مسیر متغیرهای احساس تعلق مکانی و تأثیر آن بر مشارکت روستائیان

برآورد اثرات مستقیم و غیرمستقیم احساس تعلق مکانی در مشارکت روستائیان در جدول شماره ۳ ارائه شده است، بر همین مبنا نتایج نشان می‌دهد، بیشترین تأثیر احساس تعلق مکانی مربوط به تعلق عملکردی و تعلق شناختی اجتماعی بر روی مشارکت روستائیان در طرح هادی می‌باشد. بعد تعلق عملکردی با اثرات کل  $0/363$ ، بعد تعلق شناختی با  $0/220$ ، بعد تعلق عاطفی با  $0/181$  و بعد تعلق رفتاری با  $0/111$  به ترتیب دارای بیشترین تأثیرات می‌باشند (جدول ۵).

جدول شماره ۵. اثرات مستقیم و غیرمستقیم احساس تعلق مکانی در مشارکت روستائیان در محدوده مورد مطالعه

رتبه	شاخص	اثرات مستقیم	اثرات غیرمستقیم	کل
۱	تعلق عملکردی	۰/۳۱۵	۰/۰۴۸	۰/۳۶۳
۴	تعلق رفتاری	۰/۰۹۱	۰/۰۱۹	۰/۱۱۱
۳	تعلق عاطفی	۰/۱۸۱	-	۰/۱۸۱
۲	تعلق شناختی	۰/۲۲۰	۰/۰۱۷	۰/۲۳۷

### نتیجه‌گیری

در تحقیق حاضر به ارزیابی نقش احساس تعلق مکانی روستائیان بر روند تهیه و اجرای طرح هادی روستایی پرداخته شد. بر همین اساس یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، میان احساس تعلق مکانی و مشارکت روستائیان در تهیه و اجرای طرح هادی روستایی منطقه مورد مطالعه تفاوت معنی‌دار آماری میان متغیر وابسته مشارکت روستائیان در تهیه و اجرای طرح هادی و متغیر مستقل احساس تعلق مکانی وجود دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد بر اساس احساس تعلق مکانی تفاوت معناداری در میزان مشارکت روستائیان در تهیه و اجرای طرح هادی خانوارهای روستایی وجود دارد. جهت این رابطه نیز مثبت برآورد شده که نشان‌دهنده وجود رابطه مستقیم است؛ بنابراین می‌توان گفت با افزایش احساس تعلق مکانی، میزان مشارکت روستائیان در تهیه و اجرای طرح هادی خانوارهای روستایی نیز افزایش یافته است. همچنین یافته‌های تحقیق نشان‌دهنده مطلوب بودن وضعیت ابعاد احساس تعلق مکانی در بین روستائیان مورد مطالعه می‌باشد. یافته‌های مربوط به مدل تحلیل مسیر نیز نشان می‌دهد، بیشترین تأثیر احساس تعلق مکانی مربوط به تعلق عملکردی و تعلق شناختی اجتماعی بر روی مشارکت روستائیان در طرح هادی می‌باشد. بعد تعلق عملکردی با اثرات کل ۰/۳۶۳، بعد تعلق شناختی با ۰/۲۲۰، بعد تعلق عاطفی با ۰/۱۸۱ و بعد تعلق رفتاری با ۰/۱۱۱ به ترتیب دارای بیشترین تأثیرات می‌باشند. پس از انجام این موضوع انتظار می‌رود که آموزش‌ها از طریق دهیاران و شورا به روستائیان انتقال داده شده تا زمینه مشارکت بیشتر فراهم گردد.

علت اصلی پائین بودن مشارکت از سوی برخی از پاسخگویان دو موضوع عنوان شده است: الف) عدم پذیرش نظرات روستائیان از سوی بنیاد و دست‌اندرکاران و ب) عدم تقاضای بنیاد از روستائیان برای همکاری. لازم به ذکر است که همکاری در زمینه بازگشایی معابر بیشتر بوده است، به طوری که ۵۰٪ پاسخگویان اذعان داشته‌اند که در بازگشایی معابر با بنیاد همکاری داشته‌اند. موارد عدم همکاری نیز جالب توجه بوده است: پاسخگویانی که طرح هادی از محل زندگی آنان عبور نموده همکاری نداشته‌اند و از طرح شکایت دارند که در زمان تهیه طرح، مصلحت عده‌ای خاص در نظر گرفته شده و به ضرر ایشان طرح ارائه گردیده است. به عنوان مثال در روستای چسب، خانه‌ای وجود دارد که خیابان اصلی از فضایی از خانه که خانوار ساکن آن هیچ‌گونه استطاعت مالی نیز ندارد، عبور می‌کند. برخی دلیل عدم مشارکت در اجرای طرح هادی را عدم توانایی مالی عنوان نمودند. یافته‌های تحقیق حاضر با نتایج تحقیق‌های تانگ و فنگ (۲۰۱۵)، تولسما و لوبرس (۲۰۱۴)، هائو (۲۰۱۴) و روم و همکاران (۲۰۱۳)، عنابستالی (۱۳۸۸)، نصیری (۱۳۸۸)، آمار و طارمی (۱۳۸۸)، رضایی و صفا (۱۳۹۲) و جلالیان و همکاران (۱۳۹۶)، عزمی و همکاران (۱۳۹۵) و اعظمی و همکاران (۱۳۹۵) همخوانی دارد.

توجه به مؤلفه‌های موثر بر طراحی فضاهایی با ایجاد حس تعلق به مکان در حوزه‌های علمی و اجرایی شرایط اتخاذ تصمیمات بهینه را برای مدیران اجرایی و طراحان فراهم می‌آورد. حس تعلق به مکان با میزان تمایل حضور کاربران در محیط در ارتباط بوده و تعاملات اجتماعی متقابل میان فرد و محیط را تعریف می‌کند و محرک فرد جهت بازگشت مجدد به مکان می‌باشد که این امر به جهت ایجاد ارتباط مناسب میان فرد و محیط پیامدهای بسیاری را در پی خواهد داشت.

تحلیل نتایج بیانگر آن است که عواملی مانند عوامل ادراکی، شناختی، عوامل اجتماعی و عوامل محیطی - کالبدی در جهت بازتاب حس تعلق به مکان از عوامل بسیار تأثیرگذار در این خصوص می‌باشند که هرکدام شامل زیرموفه‌های متعدد می‌باشد.

می‌توان نتیجه گرفت از دیدگاه مردم روستایی توسعه زیرساخت‌ها، عرصه خدمات رفاهی، درمانی و آموزشی می‌تواند به افزایش احساس تعلق مکانی و ماندگاری روستائیان کمک کند.

نگرش اکثر روستائیان درباره احساس تعلق مکانی بیشتر بر بعد مادی و عینی متمرکز است. آن‌ها برخورداری از احساس تعلق مکانی مناسب به روستا را بیشتر و در درجه اول، ناشی از شغل مناسب و درآمد بالا می‌دانند و اعتقاد دارند در صورتی که اجرای طرح هادی باعث تسهیل در دستیابی به درآمد و اشتغال مناسب شود، افزایش احساس تعلق مکانی دور از دسترس نمی‌باشد. فرایندی که در دو روستایی گلابر سفلی و چیز رخ داده و اجرای طرح هادی با افزایش دسترسی به کاربری‌های تجاری باعث رونق اقتصادی روستا شده‌است. اما در دو روستای سارمساقلو و چسب اجرای ناقص طرح هادی و همچنین فقدان رویکرد و الگوی مناسب جهت بهبود وضعیت اقتصادی روستائیان باعث کاهش اثربخشی طرح هادی در احساس تعلق مکانی این روستاها شده‌است.

### تقدیر و تشکر

این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان زنجان می‌باشد.

### منابع

- (۱) احمدی، علی و مهدوی، مسعود، ۱۳۹۳، رابطه کیفیت زندگی و حس تعلق مکانی در روستاهای در حال توسعه مطالعه موردی: شهرستان زرننده، پژوهش‌های روستایی، ۵(۴)، ۸۴۷-۸۲۷.
- (۲) آمار، تیمور و صمیمی، رضا، ۱۳۸۸، ارزشیابی اثرات کالبدی اجرای طرح‌های هادی روستایی، فصلنامه مسکن و محیط روستا، ۱۲۷، ۴۴-۵۵.
- (۳) اعظمی، موسی، احمد یعقوبی فرانی، مهسا معتقد، ۱۳۹۵، بررسی نوع و میزان مشارکت روستائیان در طرح هادی روستایی: مطالعه موردی روستای سنگستان همدان، فصلنامه روستا و توسعه، ۱۹ (۲).
- (۴) بذرافشان، جواد؛ طولابی نژاد، مهرشاد و اسکتی، هانیه، ۱۳۹۷، بررسی آثار حس تعلق مکانی بر باز ساخت فضایی - کالبدی سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: دهستان نه، شهرستان نهبندان). پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۵۰(۴)، ۷۹۱-۸۰۷.
- (۵) برزو، غلامرضا و همکاران، ۱۳۸۹، ارزشیابی کیفی اجرای طرح هادی در روستای کرناچی، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، ۳، ۱۷۲-۱۵۳.
- (۶) بیابانی، ثریا، ۱۳۹۵، رابطه تعلق به مکان با تمایل به مشارکت اجتماعی در توسعه شهری در بین مهاجران و غیر مهاجران شهر جدید تیران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی، استاد راهنما: اردشیر انتظاری.
- (۷) پیربابایی، محمد تقی وسجاذاده، حسن، ۱۳۹۰، تعلق جمعی به مکان، تحقق سکونت اجتماعی در محله سنتی، باغ نظر، ۸(۱۶)، ۲۸-۱۷.
- (۸) تقوایی، علی‌اکبر و معروفی، سکینه، ۱۳۸۹، ارزیابی نقش مساجد در ارتقاء کیفیت محیط، مجله مدیریت شهری، ۸۴، ۲۳۴-۲۱۹.

- ۹) جلالیان، حمید؛ خدایی، سعید و عیوض امینی قواقلو، ۱۳۹۶، اثرات اجرای طرح هادی بر توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: بخش ثمرین در شهرستان اردبیل)، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، ۶ (۱۷)، ۱-۱۸.
- ۱۰) رضایی، روح الله و صفا، لیلا، ۱۳۹۲، تحلیل مشکلات اجرای طرح هادی در مناطق روستایی شهرستان زنجان، فصلنامه مسکن و محیط روستا، ۳۲ (۱۴۲)، ۳۰-۴۹.
- ۱۱) سرمست، بهرام و متوسلی، محمدمهدی، ۱۳۸۹، بررسی و تحلیل نقش مقیاس شهر در میزان حس تعلق به مکان، فصلنامه مدیریت شهری، ۲۶، ۱۹-۵.
- ۱۲) سیاوش پور، بهرام، مجتبی شادلو جهرمی و زهره مولایی رامشه، ۱۳۹۳، ابعاد تشکیل‌دهنده حس تعلق به مکان، با تأکید بر عوامل کالبدی، اجتماعی و احساسی، انتشار: مشهد ششمین کنفرانس ملی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری با تأکید بر مؤلفه‌های شهر اسلامی.
- ۱۳) دانشپور، سیدعبدالهادی، منصور سپهری مقدم و مریم چرخچیان ۱۳۸۸، تبیین مدل دل‌بستگی به مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن، نشریه هنرهای زیبا، ۳۸، ۳۷-۴۸.
- ۱۴) رضویان، محمدتقی، محمدکاظم شمس-پویا و عبدالله ملاتبارلهی، ۱۳۹۳، کیفیت محیط کالبدی و حس مکان موردشناسی: دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی تهران، فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری- منطقه‌ای، ۱۰، ۸۷-۹۶.
- ۱۵) زنگنه، مهدی، ۱۳۸۸، سنجش احساس تعلق مکانی در شهرهای کوچک، میانی و کلان‌شهرها، مجله آمایش جغرافیایی فضا، ۹ (۳۲)، ۱۹۹-۲۱۲.
- ۱۶) صادقی، خدیجه؛ طولابی نژاد، مهرشاد و قنبری، سیروس، ۱۳۹۷، تحلیل اثرات کشت زعفران بر حس تعلق به مکان در بین خانوارهای روستایی (مطالعه موردی: دهستان رشتخوار). مجله آمایش جغرافیایی فضا، ۸ (۲۸)، ۵۱-۶۶.
- ۱۷) صافیان، محمدجواد؛ انصاری، مانده؛ غفاری، علی و مسعود، محمد. ۱۳۹۰، بررسی پدیدار شناختی - هرمنوتیک نسبت مکان با هنر معماری. مجله پژوهش‌های فلسفی دانشگاه تبریز، ۵ (۸)، ۹۳-۱۲۹.
- ۱۸) عزمی، آئیژ؛ نوری، مجتبی؛ نصیری، اکرم و بابایی، تیمور، ۱۳۹۵، بررسی عوامل موثر در بهبود عملکرد طرح هادی از دیدگاه دهیاران و اعضای شورای روستایی بخش مرکزی شهرستان کرمانشاه، فصلنامه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۱۶ (۴۲)، ۸۳-۱۰۸.
- ۱۹) صافیان، محمدجواد؛ انصاری، مانده؛ غفاری، علی و مسعود، محمد، ۱۳۹۰، بررسی پدیدار شناختی-هرمنوتیک نسبت به مکان با هنر معماری، نشریه پژوهش‌های فلسفی دانشگاه تبریز، ۴، ۱۳۰-۹۳.
- ۲۰) ضرابیان، فرناز و منعم، محمدرضا، ۱۳۸۹، بررسی میزان و عوامل تأثیرگذار بر حس مکان، ماهنامه شهرداری‌ها، ۹ (۸۹)، ۱-۱۲.
- ۲۱) عنابستانی، علی‌اکبر، ۱۳۸۸، ارزیابی اثرات کالبدی اجرای طرح‌های هادی روستایی، اولین کنفرانس ملی مسکن و توسعه کالبدی روستا، تهران.
- ۲۲) فلاحت، محمدصادق، ۱۳۸۵، مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن، نشریه هنرهای زیبا، ۲۶، ۱-۱۲.
- ۲۳) فکوهی، ناصر. ۱۳۸۳. انسان‌شناسی شهری، چاپ دوم، تهران: نشر نی.
- ۲۴) مطیعی لنگرودی، محمدحسن و یاری، حصار ارسطو، ۱۳۸۹، محافظت محیط‌زیست و برنامه‌ریزی توسعه فیزیکی روستا با تأکید بر ارزیابی طرح‌های هادی روستایی؛ جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، ۳۱ (۳)، ۴۵-۶۰.
- ۲۵) نظامی، آنایتا، ۱۳۹۵، عوامل موثر بر حس تعلق مکانی ساکنین در اسکان رسمی و غیررسمی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی، استاد راهنما: محمد شیخی.

26) Anton, C. E., & Lawrence, C. 2016. The relationship between place attachment, the theory of planned behaviour and residents' response to place change. *Journal of Environmental*

- Psychology, 47, 145–154.
- 27) Charis, A., & Lawrence, C., 2016, The Relationship Between Place Attachment, The Theory of Planned Behaviour and Residents Response to Place Change, Journal of Environmental Psychology, No 47, University of Western Australia, School of Psychology, pp. 145-154.
- 28) Bennett, J., 2014, Gifted Places, The Inalienable Nature of Belonging in Place, Environ Plan, 32, 658-671.
- 29) Brocato, Elisabeth D., 2006, Place Attachment: An Investigation of Environments and out comes in a Service Context, Dissertation Proposal Presented to the Faculty of the Graduate School of the University of Texas at Arlington in Partial Fulfillment of the Requirements for the degree of doctor of philosophy.
- 30) Chan, K. M. A., Balvanera, P., Benessaiah, K., Chapman, M., Díaz, S., Gómez-Baggethun, E., & Turner, N., 2016, Opinion: Why protect nature? Rethinking values and the environment. Proceedings of the National Academy of Sciences of the United States of America, 113(6), 1462– 1465
- 31) Figueroa, E., & Rotarou, E. S., 2016, Sustainable Development or Eco-Collapse: Lessons for Tourism and Development from Easter Island, 8(11), 1- 26.
- 32) Giuliani, M.V, 2003, Theory of Attachment and Place Attachment, Psychological Theories for Enviromental Issues, Italian National Research Concil, 17-170.
- 33) James M., 2017. Biodiversity and cultural ecosystem benefits in lowland landscapes in southern England. J. Environ. Psychol, 53, 185–197.
- 34) Jaalama, K., Nora Fagerholm, A. J., Juho-Pekka, V., Mikko Maksimainen, & H. H., 2021, Landscape and Urban Planning, Contents lists available at ScienceDirect, 18, 99 1-9.
- 35) Kamalipour, H., Jeddi, Y. A. & Alalhesabi, M., 2012, Predictors of Place Attachment in Urban Residential Environments: A Residential Complex Case Study, *Social and Behavioral Sciences*, 55, 954 – 964.
- 36) Kofinas, G. P. 2009, Adaptive co-management in social–ecological governance. In C. Folke, G. Kofinas, & S. Chapin (Eds.), Principles of ecosystem stewardship (pp. 77– 101). New York, NY: Springer.
- 37) Lewicka, M. 2011, On the varieties of people's relationships with places. *Environment and Behavior*, 43(5), 676– 709
- 38) Millor.DM, 2008, Need for Belonging Relationship Satisfaction, Loneliness and Life Satisfaction, *Pers Individ, Differ*, 45, 213-218.
- 39) Poe, Melissa R., Donatuto, J., Satterfield, T., 2016, “Sense of Place”: human wellbeing considerations for ecological restoration in Puget sound. *Ecol. Soc*, 44 (5), 409–426.
- 40) Qi, Q., Tao, F., Hu, T., Anwer, N., Liu, A., & Wei, Y., 2019. Enabling technologies and tools for digital twin. *Journal of Manufacturing Systems*. <https://doi.org/10.1016/j.jmsy.2019.10.001>.
- 41) Ram, Y., Bjork, P., & Weidenfeld, A. 2016, Authenticity and place attachment of major visitor attractions, *Tourism Management*, 52, 110-122.
- 42) Ramkinssoon, H., Weiler, B. & Smith, G. 2012, Place attachment and proenvironmental behavior in national parks: the development of a conceptual framework. *Journal of Sustainable*, 12, 1-12.
- 43) Ryfield, F., Cabana, D., Brannigan, J., & Crowe, T. 2019, Conceptualizing ‘sense of place’ in cultural ecosystem services: A framework for interdisciplinary research. *Ecosystem Services*, 36, 10-19.
- 44) Sebastien, L. 2020, The power of place in understanding place attachments and meanings.

- Geoforum, 108, 204–216.
- 45) Stedman, R. C., Amsden, B. L., Beckley, T. M., & Tidball, K. G. ,2017, Photo-based methods for understanding place meanings as foundations of attachment. In L. Manzo & P. Devine-Wright (Eds.), *Place attachment: Advances in theory, methods and applications* (pp. 112– 124). New York, NY: Routledge.
- 46) Tang, Sh., & Jianxi, F., ,2015, Cohort differences in the urban settlement intentions of rural migrants: A case study in Jiangsu Province, China, *Habitat International*, 49, 1-15.
- 47) Trentelman, C. K. ,2009, Place attachment and community attachment: A primer grounded in the lived experience of a community sociologist. *Society and Natural Resources*, 22(3), 191– 210.
- 48) Vroome, D. T., & Tubergen, V. F. ,2013, Settlement Intentions of Recently Arrived Immigrants and Refugees in the Netherlands, *Journal of Immigrant and Refugee Studies*, 12(1), 47-66.
- 49) Yuksel, A., Yuksel, F., & Bilim, Y. ,2010, Destination Attachment: effects on customer satisfaction and cognitive, affective and conative loyalty, *Tourism Management*, 31(2), 274-284.